



آیت الله حسین نوری



اقتصاد
اسلام

مفاسد سیستم سرمایه داری

رساله علم علوم انسانی

و خدماتی صورت پذیرد ولی حاصل کار و تلاش و رنج دائم این طبقات در اختیار و تصرف سرمایه داران و صاحبان پول و قدرت قرار بگیرد و این طبقه محروم و زحمتکش از حاصل رنج بی‌امان خویش بهره و نصیبی جز یک زندگی بسیار ساده، توأم با محرومیت و ملال نداشته باشند.

در یک نگاه ساده و گذرا، در می‌یابیم که این رابطه ظالمانه و غیر انسانی، امروزه در بسیاری از جوامع بشری، حاکم و برقرار است. زیرا تنها سیستم اجتماعی‌ای، که این نظام ظالمانه در آن راهی ندارد،

در بخش‌های پیشین این سلسله مباحث ضمن بررسی سیستم سرمایه‌داری مذموم و ناهنجار - خارج از چهار چوب‌های مورد قبول اسلام - به یک تصویر و نمای کلی از "سرمایه‌داری" دست یافتیم.

بر اساس آنچه طی بحث‌های گذشته بدست آمد یک جامعه هنگامی، "جامعه سرمایه‌داری" نامیده میشود که در آن تولید محصولات و کالاها و خدمات توسط طبقات محروم و مستضعف جامعه - اعم از کشاورز، کارگر و کارکنان بخش‌های اقتصادی و تجاری

سیستم اجتماعی منبعت از قوانین الهی و حیات بخش اسلامی است که فقط با استقرار حکومت اسلامی تحقق پذیر می‌شود، و چون جهان امروز بدور از انوار خدایی حکومت اسلام به سر می‌برد، طبیعی است که باید گرفتار چنان نظام ظالمانه و چنان سیستم انسانیت‌کشی باشد.

نکته در خور توجه اینکه: اگر امروزه، جهان به دو بلوک شرق و غرب، و اقمار و دست نشاندهگان آنها تقسیم شده، و ابر-قدرت غرب و اذنانب و اقمارش، نظام حاکم سرمایه‌داری را بطور رسمی، سیستم حاکم

در این گونه جوامع درحالی که گروه فراوانی به نان شب محتاجند و از بیماری و عدم دسترسی به پزشک و دارو در گوشه فقر و بینوائی جان میسپارند، گروه دیگری در همان جامعه از نفیس‌ترین و مرغوبترین خوراکیها و پوشاکها و وسائل دیگر زندگی بهره‌مندند و در بیشتر شئون زندگی آنها جلوه‌های روشنی از اسراف و زیاده‌روی و افراط منعکس است و حتی بطور مرتب هفته‌ای یکبار سگ و گربه خود را به مطب پزشک مخصوص می‌برند تا وضع مزاجی آنها را تحت کنترل دقیق بهداشتی و پزشکی داشته باشند، و در حالی که آن گروه محروم هر قدر بخویشتن در راه قناعت و صرفه - جوئی فشار می‌آورند باز هم نمیتوانند پاسخ احتیاجات ضروری زندگی خود را بدهند، گروه مرفه از فرط زیادی پول، در پیدا کردن راههای خرج کردن آن کمیج میمانند و بهر اندازه زیاد جوئی و تنوع طلبی می‌کنند باز هم اشباع هوس و ارضای خاطر بدست نمی‌آورند.

لازم نیست راه دور برویم، برای نمونه در همین ایران پیش از انقلاب کماز آغوش اسلام دور افتاده بود کار اینگونه عیاشی‌ها و تنوع طلبی‌ها به جایی رسیده بود که در همین تهران با آنهمه حصار آبادها و حلبی‌آبادهایش، با آنهمه زاغ‌نشینان مفلوکش و با آن نمونه‌های غم انگیز و وحشتناکی که فقر و فاقه در محلات فقیر - نشین آن به نمایش گذاشته بود، عسافای از افراد طبقه مرفه آنقدر غرق در عیاشی و اسرافکاری بودند و آنچنان در تجمل - طلبی فرو رفته بودند که وصف ندارد.

از تهران که بگذریم نه تنها در نقاط دور افتاده و گوشه و کنار کشور بلکه در شهرهای دیگر نیز افراد محرومی که قامتشان در زیر بار تلخیها و نابسامانیهای زندگی خمیده بود فراوان وجود داشت، البته اختلاف طبقاتی باین شکل هرگز با اقتصاد

۷ - اشباع حاجات غیر ضروری و تولید

کالاهای تجملی و غیر لازم .

۸ - بحرانهای اقتصادی .

باید دانست که این فهرست از یک دیدگاه کلی و بطور اجماع تنظیم گردید و گر نه هر یک از این مفاسد دهها مفاسد دیگر را نیز در کنار دارد و آنرا به دنبال خود ایجاد می‌کند که در یک بررسی دقیق و همه جانبه میتوان فهرستی بسیار مفصل و طولانی از آنها تهیه کرد. همچنین باید دانست که دامنه اکثر این مفاسد، به همان اختلاف طبقاتی کشیده می‌شود یعنی: دقت در ابعاد مسأله نشان می‌دهد که این مفاسد گوناگون غالباً زائیده اختلاف فاحش طبقاتی در جامعه است و اختلاف طبقاتی نیز، چنان که گفته شد، تنها از سیستم سرمایه‌داری حاصل می‌شود.

اکنون به بررسی کوتاه و اجمالی مفاسدی می‌پردازیم که فهرست کلی و عمومی آنها را ذکر کردیم .

۱ - اختلاف طبقاتی :

یکی از شوم‌ترین مفاسد سرمایه داری - امپریالیستی، که تبعات زشت و نفرت‌انگیز آن در ارگان جامعه، پلیدی و تباہی می‌آفریند و انسان را از فطرت خویش دور و جدا می‌سازد، پیدایش اختلاف شدید و فاحش طبقاتی است. در چنین جوامعی، یک اقلیت معدود، طبقه مرفه جامعه را تشکیل میدهند که از فرط فزونی پول و ثروت و نوعا افراط در عیاشی و تنوع‌طلبی و تجمل‌خواهی به فساد کشیده میشوند و اکثریتی فقیر و محروم که در آتش رنجها و گرفتاریها و نابسامانیهای زندگی می‌سوزند و این رنجهای طاقت فرسا را با ناشکیبائی فوق توصیف و تصور متحمل می‌گردند و با به فساد کشیده میشوند و حتی برخی از آنها تبدیل به عامل و آلتی میشوند که وسائل عیش و عشرت آن ثروتمندان فاسد از طریق آنها تامین میشود !

برسرنوشت ملت‌های خویش قرارداد داده اند این بدان معنا نیست که ابرقدرت شرق و اقمارش، از این نظام برکنارند. زیرا حقیقت امر این است که در اینگونه کشورها تنها نام و عنوان ظاهری تغییر کرده، وگر نه در آنها نیز همان نظام و سیستم، با همان ابعاد برقرار است. با این تفاوت که اینجا دیگر اشخاص نیستند که در نقش صاحبان پول و سرمایه ظاهر می‌شوند و محرومان و زحمتکشان را استثمار می‌کنند، بلکه این بار، طبقه حاکمینی با عناوین دولت و حزب، و سران و ارگان آنها هستند که جای سرمایه‌داران خصوصی را گرفته و همان نقش را نسبت به اینها ایفا می‌نمایند.

اما بهر حال، در این بخش، بحث ما پیرامون همان کشورهای سرمایه‌داری غربی دور می‌زند، که هم اسما و هم رسماً در چنگال سیطره سیستم سرمایه‌داری بسر می‌برند و می‌کوشند تا سلطه این سیستم را، در سراسر جهان نیز گسترش دهند. و مباحث مخصوص به سیستم‌هایی که ظاهراً " سرمایه‌داری " به آنها اطلاق نمیشود را در فرصت دیگری بتوفیق خداوند مورد توجه قرار خواهیم داد.

خلاصه اینکه " سرمایه‌داری " به اصطلاح " غربی " سرچشمه مفاسد و تباہی‌ها و پلیدیهای فراوانی می‌گردد که آنها بطور فهرست عبارتند از :

۱ - اختلاف فاحش طبقاتی .

۲ - رواج ظلم و بی‌دگری .

۳ - شیوع فساد و فحشاء .

۴ - سلطه استعمار .

۵ - بروز جنگها و تشنجات .

۶ - محرومیت روز افزون شعفاً از

دنباله تاریخ

بجستجو پرداختند و بالاخره او را در حالی که ناخنها و موهای بدنش بلند شده بود و بوضع رفت باری در میان حیوانات وحشی بر سر می برد در سرآبی مشاهده کردند و هر چه خواستند او را بگیرند و با او سخن گویند نتوانستند و بهر سو که میرفتند او میگریخت تا بناچار بوسیله ریسان و طناب او را به دام انداختند ولی همینکه بدست ایشان افتاد شروع بفریاد کرد و مانسند حیوانات وحشی دیگر که گرفتار میشوند همچنان فریاد زد و بدنش میلرزید تا در دست آنها تلف شد .

و بدین ترتیب ماجرا پایان یافت و ضمناً این ماجرا درس عبرتی برای شرابخواران و شهوت پرستان گردید و در صفحات تاریخ ثبت شد .

نگارنده گوید : بر طبق روایاتی که در دست هست نجاشی پس از این ماجرا به رسول خدا (ص) ایمان آورد و بدست جعفر-

بن ابیطالب مسلمان شد ، و هدایای بسیاری برای پیغمبر اسلام فرستاد که از آنجمله بود " ماریه " قطبیه " که رسول خدا (ص) از آن کنیز دارای پسری شد و نامش را ابراهیم گذارد و در کودکی از دنیا رفت بشرحی که انشاء الله در حالات فرزندان آنحضرت خواهد آمد ، و هنگامی که نجاشی از دنیا رفت رسول خدا (ص) در مدینه بود و مرگ او را به اصحاب خبر داد و از همانجا براونماز خواندند ، و مهاجرین حبشه نیز پس از مدتی شنیدند که مردم مکه دست از آزار - شان برداشته و مسلمان شده اند از اینسرو برخی مانند عبدالله بن مسعود و مصعب بن عمیر بمکه بازگشتند اما وقتی فهمیدند این خبر دروغ بوده گروهی از ایشان دو - باره بحبشه رفتند ، و چند تن نیز از بعضی بزرگان قریش پناه خواسته و در پناه آنها بشهرمکه درآمدند ، و جمع بسیاری هم مانند جعفر بن ابیطالب سالها در حبشه ماندند تا پس از هجرت پیغمبر اسلام در اواخر عمر آنحضرت بمدینه آمدند که

انشاء الله شرح حال آنها در جای خود مذکور خواهد شد . ادامه دارد .

۱- و در باره ای از تفاسیر در تفسیر آیه " ولتجدن اشد الناس عداوه ... " - سوره مائده آیه ۸۲ که داستان را نقل کرده اند چنین است که نجاشی بجعفر بن ابیطالب گفت : اینان چه میگویند؟ جعفر پرسید : چه میخواهند؟ نجاشی گفت : میخواهند تا شما را بنزد آنها باز گردانیم ، جعفر گفت از ایشان بپرسید : مگر ما برده و بنده آنها ایم عمرو گفت : نه شما آزادید ، گفت : بپرسید آیا طلبی از ما دارند که آنرا میخواهند؟ عمرو گفت : نه ما چیزی از شما طلب کار نیستیم ، گفت : آیا ما کسی از آنها کشتیم که مطالبه خون او را از ما می کنند؟ عمرو عاص گفت : نه ، پرسید : پس از ما چه میخواهید؟ عمرو عاص گفت : اینها از دین ما بیرون رفته ... تا با آخر آنچه در بالا نقل شده .



دنباله قوانین کیفری

بر او واجب بود فرمودند : " اقروه حتی یبرأ " لا تنكوه" ها علیه فقتلوه " . یعنی نگه دارید تا بهبود یابد و زخم او را شدیدتر نکنید (با اجرای حد) که او را میکشید . و چند روایت دیگر .

۱- لازم به تذکر است که مسائل ذکر شده در این کتاب ، طبق نظریه برادران اهل سنت است ، و گرنه فقها شیعه در اجرا حد و وسیله اجرا شرایطی دارند که در آینده ذکر خواهد شد ، و اینکه هر کس با چیزی بزند و از وسائل مختلف استفاده شود ، جایز نمیدانند .

۲- وسائل الشیعه ، ج ۱۸ ، ص ۳۲۵ ، ابواب مقدمات الحدود ، باب ۱۳ .
۳- وسائل الشیعه ، ج ۱۸ ، ص ۳۲۱ .

فرصت دیگری که با توفیق خداوند تعالی پیش خواهد آمد می گذاریم .

حضرت صادق علیه السلام فرمودند :
" ان الناس ما افتقروا لا حجاجوا و"
" لا جاعوا ولا عروا الا بذنوب الا غتیا"

یعنی : " فقر و احتیاج و محرومیت های دیگر که با چهره های کریمه و زشت خود سلامت و حیات انسانها را بمخاطره می اندازند همه و همه معلول ستم ها و بی رحمیهای سرمایه داران است " .

امیدواریم که حکومت جمهوری اسلامی که بفضل خدای مستضعفین در این کشور پدید آمده است در همه جهان سایه گستر شود و به پیاده کردن قوانین اقتصادی اسلام نیز هر چه سریعتر موفق گردد . ادامه دارد .

دنباله اقتصاد

اسلامی منطبق نیست و اسلام چنانکه گفتیم : مبانی اقتصادی و قوانین زندگی انسانها را طوری تنظیم کرده است که در صورت پیاده شدن ، فقر و محرومیت از جامعه بشریت ریشه کن میشود و همه افراد جامعه از یک زندگی نسبتاً هم آهنگ و رفاه بخش برخوردار می گردند .

در این زمینه نظر اسلام آنقدر صریح و روشن است که میتوان صدها شاهد زنده و دلیل متقن از مدارک اسلامی را ارائه داد و ما برای نمونه با ذکر یک کلام که قسمتی از احادیث فراوان اسلامی است این مقاله را پایان میدهیم و توضیح بیشتر را برای